یـــادداشـــت

شورای پنجم در عملکرد کمی بدشانس بود

محمد حقانی
عضو شورای شهر چهارم

بسیاری از نامزدهای اصلاح‌طلب و آنهایی که وزنه محسوب می‌شدند و احتمال رای آوری در شورای شهر را داشتند احراز صلاحیت نشدند، به هر حال با توجه به شرایطی که شهرداری بعد از ۱۴ سال شورای اصولگرایان پیدا کرده بود و مشکلاتی که در ساختار شهرداری و وضعیت مالی آن داشت و دو سه شهرداری که در عرض ۴ سال عوض شد، به‌علاوه پروژه‌های ناتمامی که موجود بود، مشکلاتی برای اصلاح‌طلبان به‌وجود آمد و آن‌طور که باید و شاید نتوانستند چیزی که لازمه توسعه مدیریت شهری تهران باشد را فراهم آورند. اما رویکرد مجموعه اصلاح‌طلبان همچنان این اعتقاد را دارند که باید در انتخابات شرکت کنند مخصوصا شورای شهر و اگر جابه‌جایی‌ها انجام شود هم اشکالی ندارد و با سلائق مختلف باید شهر را اداره کرد اما حضور در انتخابات و رقابت را خواهند داشت ولی باید اعتراف کنم که دست اصلاح‌طلبان در بسیاری موارد به‌ویژه کاندیداهایی که مد نظرشان بود، بسته شد. شورای پنجم اندکی بدشانسی هم آورد، مشکلاتی که ابتدا برای شهردار اولشان پیش آمد و بعد در انتخاب شهردار دوم هم قانون بازنشستگی گریبانشان را گرفت تا شهردار اول و دومشان به فاصله کوتاهی ترک خدمت کنند و بعد هم آقای پیروز حناچی در شرایط خاصی روی کار آمد که با انبوهی از بدهی‌ها و مشکلات دست به گریبان بود و وفور نیروهایی که می بایست هر ماه بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان به آنها حقوق پرداخت می‌کردند و از طرف دیگر شورای پنجم و مجموعه مدیریت شهری اعتقاد به محدود کردن تراکم فروشی در تهران داشت و می‌خواستند شرایطی را ایجاد کنند که آن شفافیت لازم وجود داشته باشد و دیدید که در سایت‌های مختلف به‌ویژه سایت شهرداری تمام پروژه‌ها را در معرض دید قرار دادند تا شفاف سازی صورت بگیرد، به همه اینها اضافه کنید که شهرداری به‌خاطر وجود تحریم‌های ظالمانه دیگر کمکی نه در زمینه‌های زیرساخت شهری و مهمترین آنها مترو از دولت دریافت نکرد این درحالی است که قانونا باید این کمک وجود داشته باشد. از طرف دیگر شهرداری همان‌طور که قبلا اشاره کردم منابع درآمدیش ناپایدار بود از جمله در تراکم فروشی خودش را محدود کرده بود سعی نکرد سرمایه‌های شهری همچون باغات و فضای سبز را بفروشد تا درآمد زایی داشته باشد، اینها همه مواردی بودند که در سر راه مدیریت اصلاح‌طلبان قرار گرفت و مجموعه مدیریت شهری نتوانست آنگونه که باید توفیق خدمت پیدا بکند در زمینه حقوق کارمندان و کارگران شهرداری که آخرین رقمی که اطلاع دارم نزدیک به ماهانه ۱۵۰۰ میلیارد تومان ماهانه باید پرداخت می‌کردند که خود مشکلی بر سر راه مدیریت شهریست، اما با وجود تمامی این مشکلات شهر را اداره کردند و در مسائلی که در مجموعه اداره شهر تعریف می‌شود، موفق بودند.

روی خـــط

علی محمد نمازی:

بدنه جریان اصولگرا دیگر مطیع رهبرانش نیست

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره مناظرات سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و جمع‌بندی خود از رفتار سیاسی نامزدهای این دوره اظهار کرد: مناظره سوم یک تفاوت شکلی با دو مناظره قبلی داشت، در مناظرات قبلی ما این انتقادات را داشتیم که نامزدها باید به یک سوال مشترک پاسخ دهند تا مردم متوجه دیدگاه‌ها شوند اما در این مناظره ۷ سوال از نامزدها با وقت بسیار کم پرسیده شد. علی محمد نمازی گفت: گفته می‌شود برای اینکه مخاطب تحت تاثیر قرار بگیرد، زمان جلسه و یا سخنرانی نباید بیشتر از یک ساعت باشد اما مناظرات بیشتر از ۳ ساعت طول کشید که این مدت زمان دیگر مفید نیست؛ من تصورم این بود که صداوسیما در حال یک رفع تکلیف است؛ یعنی در این ایام به طور متمادی چند شب مناظره را با ساعت کم که تاثیر گذاری بیشتری هم داشته باشد، نمی‌توانستند پخش کنند؟ وی افزود: به نظر می‌رسد مناظرات نتوانسته شوقی به مردم و آن دسته‌ای که تصمیم دارند رأی ندهند، اضافه کند. وی با بیان اینکه مناظره آخر به دلیل اینکه آخرین فرصت نامزدها بود بسیار شعاری برگزار شد، اظهار داشت: هر فرد در مناظره آخر سعی کرد سخنانی را بگوید تا طرفدارنی را برای خودش دست و پا کند، به طور مثال یکی از نامزدها می‌گفت من ریشه فساد را از بین می‌برم، یکی دیگر می‌گفت خانه می‌سازم. آن یکی می‌گفت واکسن وارد می‌کنم و ما کمتر رویکرد و برنامه‌های‌شان را مشاهده کردیم که ببینیم تاثیر مثبت دارد. نمازی تاکید کرد: معتقدم مناظرات نه تنها شوق و انگیزه‌ای برای رأی دادن ایجاد نکرد، بلکه طرفداران و حامیان نظام را از اینکه ۴۰ سال کارنامه و مدیریت نظام را زیر سوال بردند، ناراحت کرد. این دوستان مطرح کردند ۳۰ سال مدیریت در کشور غلط بوده است، یعنی ۳ دوره آقایان خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی و یک بخشی هم از دوره آقای هاشمی را زیر سوال بردند و آن را هزینه‌زا خواندند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ادامه داد: در کشور واقعا چه خبر است؟ آقای زاکانی مردم را به قیام علیه غارت دعوت می کند! وی در خصوص کنار نرفتن کاندیداهای پوششی به نفع رئیسی عنوان کرد: اگر این نامزدها بخواهند تا آخر بمانند، نشان‌دهنده آن است در جناح اصولگرا دیگر این گونه نیست که بدنه یکپارچه در خدمت رهبرانش باشد و از آنان اطاعت کند. این عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی تصریح کرد: تشتت آرا در رأس جریان اصولگرایی نشان می‌دهد که اگر قرار باشد ۵ نفر در صحنه بمانند، با وجود اینکه تقریبا شعارها و راهبردی‌هایشان مشترک است، اما تعدادی هم نظرات خاص خودشان را دارند؛ مثلا قاضی‌زاده هاشمی عمدتا از جوانان و ضرورت سپردن کارها به آنان صحبت می‌کرد مطلبی که کمتر از سوی دیگر نامزدهای این جریان مطرح شد. وی یا آور شد: مشاهده کردید آقای زاکانی مثل یک دیکتاتور از برنامه و کارهایی که قرار است انجام دهد سخن می‌گفت، بدون این که اختیارات قوه مجریه و فهم قوای دیگر را در اداره کشور لحاظ کند. از سوی دیگر هم آقای رئیسی خودش را در قامت یک برنده روز انتخابات می‌دید. نمازی خاطر نشان کرد: رو در رو قرار گرفتن نامزدهای اصولگرایی برای این جریان بسیار سنگین است اما می‌توان گفت که می‌تواند به سود کشور و ملت هم باشد.

محمد خوش‌چهره در گفت و گو با «آرمان ملی»:

مناظره‌ها، احساسی و فاقد اخلاق بود

- مشارکت، از کی با نصیحت امکان پذیر شده؟
- در این انتخابات اهداف آرمانی پیشرفت فدا شد
- معالجه‌های کنونی همه مسکن وار و رقابتی در پرداخت پول است

عکس / آرمان ملی: فاطمه فتاحی

آرمان ملی – محمد رحمانی: آنچه کشور و نظام ما را در عرصه‌های بین‌المللی قدرتمند کرده است و بر توان ما افزوده اتکا به اراده ملی و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون تاریخی از جمله انقلاب اسلامی، جنگ و انتخابات گوناگون بوده است، چیزی که به نظر بسیاری از کارشناسان از انتخابات مجلس سال ۹۸ تا امروز با روند کاهشی همراه بوده که می تواند نگرانی‌هایی را ایجاد کند، اما مردم همواره نشان داده‌اند که حتی در دقایق پایانی هم با تمام دلسردی‌هایی که برایشان به واسطه شرایط معیشتی و اقتصادی پیش آمده اثر گذار بوده‌اند و میدان را خالی نمی‌کنند. در همین راستا تحلیل عملکرد کاندیداهای ریاست جمهوری از بدو تایید صلاحیت تا پایان مناظرات و بررسی وعده‌ها و برنامه‌هایشان از مناظر سیاسی و اقتصادی و سنجش چگونگی اخلاق انتخاباتی از جمله موضوعاتی است که در خصوص آنها مباحث و گفت و گوهایی صورت می‌گیرد. در این راستا «آرمان ملی» با محمد خوش‌چهره اقتصاددان و نماینده سابق مجلس به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

به عقیده کارشناسان سه مناظره با وجود اینکه از تم‌های مختلف به ویژه تم اقتصادی همراه بود ولی پر بود از سوالات غیر کارشناسی و وعده‌هایی هم که داده می‌شدند وعده‌هایی دست نیافتنی بودند، مجموعا مناظره‌ها را چگونه دیدید؟

قطعا قضاوت در مورد مناظره و افراد حاضر در آن باید کاری عالمانه به همراه شاخص و معیار باشد و اظهارنظرهای معمولی نمی‌تواند تحلیل عالمانه را به خودش اختصاص بدهد، اولا افرادی که انتخاب شدند برای مناظره اگر استثناهایی را کنار بگذاریم تعجبی را برای افرادی که از ابتدای انقلاب درگیر جریانات سیاسی بوده‌اند پیش می‌آورد و آن اینکه تراز نظام جمهوری اسلامی در این مناظره‌ها کاهش معناداری داشت واگر با توجه به فرمایش حضرت امام(ره) که فرمودند مجلس عصاره ملت است به تعبیری رئیس جمهور باید فراتر از آن باشد چون مجلس با عنایت به تفاوت‌های اقلیمی جغرافیایی قومی و مذهبی که برای مجلس مطرح شده، منتخب بین ۲۵۰ هزار نفر است، ولی در ریاست جمهوری تبلور اراده کل ملت است، بنابراین مناظره‌هایی هم که در این زمینه برگزار می شود باید در تراز جمهوری اسلامی باشد، من نمی‌دانم شورای نگهبان چه نوع ملاحظاتی را در دستور کار داشته است که برای خیلی‌ها هم قابل درک نیست، چون شاخص‌ها و ملاحظات متعارفی که قانون اساسی دارد تبیین شده و می‌توان به آن استناد کرد ولی وقتی عملکرد شورای نگهبان را ملاک قرار دهیم ضمن احترام به تک تک افراد می‌بینیم که در تراز جمهوری اسلامی نیستند.

نامزدهای حاضر چه خصوصیاتی باید می‌داشتند که فاقد آن هستند؟

نکته اول عدم جامعیت و درک اکثر آنهاست، یعنی درک صحیحی از محیط ملی و شرایط کشور با توجه به جهت‌گیری نظام و اندیشه امام(ره) و رهبری را نداشتند و از طرفی در تشخیص مناسبات زمان و مکان دچار مشکل بودند که از جمله خصوصیات بارزی است که شخص کاندیدا باید داشته باشد و مهمتر از همه وجه عقلانیت شخص است، به خاطر دارم که بنی صدر شهید رجایی را با عبارت‌های توهین آمیزی توصیف می‌کرد و به علم و مدرک خودش استناد می‌کرد ولی فرمایش امام این بود که شهید رجایی عقلش بیشتر از علمش است که در عمل هم شاهدش بودم که در تصمیم گیری‌ها به شدت عالمانه و عاقلانه به نظرات گوش می‌داد و به مشاوره‌هایی که برایش انجام می‌شد به دقت گوش می‌کرد و بعد در بین آنها با معیارهای عقلانی تصمیم می‌گرفت، اما در این مناظره‌ها کمتر برخوردهای عقلائی دیدیم همه واکنش‌ها هیجانی و احساسی بود.

به صورت کلی مناظره‌ها در حوزه اقتصاد چه سمت و سویی پیش گرفت، برنده و بازنده مناظره چه کسانی بودند؟

انتخابات نوعی رقابت است و رقابت در ادبیات اقتصادی بسیار واژه مهمی است که وقتی می‌خواهند مکانیزم قیمت‌ها را با بازار آزاد تفسیر کنند می‌گویند فضای رقابتی ایجاد شده است، در رقابت تولید کننده و مصرف کننده هر دو منتفع می‌شوند به این معنا که تولید کننده با ارتقای کیفیت تولید محصول خودش و در عین حال با دقت در کاهش هزینه سعی می‌کند که به روش‌های نوین و ابداعی سودش را به این طریق برجسته سازد که مصرف کننده هم در این حال منتفع می‌شود، به همین سبب تولید کنندگان همواره سعی می‌کنند سهم خودشان را از بازار با ویژگی‌های خودشان بالا ببرند یعنی ایجابی است، وقتی رقابت را در مسائل سیاسی تعبیر کنیم یعنی شخص باید خودش را عرضه کند و قابلیت‌های خود را بگوید، اما از آن دوره معروف به «بگم، بگم» شاهد این هستیم که اخلاق شکست فاحشی خورد و در آن انتخابات بازنده اخلاق بود و کماکان شاهد این هستیم که آن روند همچنان ادامه دارد و رقابت به صورت سلبی است و کاندیدا به‌جای اثبات خود نفی طرف مقابل را در دستور کار قرار می‌دهد که بدترین نوع عرضه است و از رذائل اخلاقی است و در هر عرصه‌ای چه سیاست، چه اقتصاد چه اجتماع نوعی سقوط محسوب می‌شود.

علت این سقوط اخلاقی در عرصه انتخابات چیست و چه اثری بر مشارکت مردم در صحنه دارد؟

ما در آموزه‌های فرهنگی و مذهبی‌مان شاهد هستیم که باید در صفات خیر مانند صبر، پایداری، گذشت و شجاعت از هم سبقت بگیریم، در حالی که خلاف آن یعنی اینکه شکست کسی را خواستار باشیم می‌شود زوال اخلاقی که ریشه‌اش در حسادت و تخریب شخص مقابل است. متاسفانه فضای انتخابات با ضریب بالا در همین سمت حرکت می‌کند و دوره به دوره می‌بینیم که همین مطلب با شکل‌های پیچیده‌تر خودش را نشان می‌دهد که علت‌هایش در درجه اول برمی‌گردد به دست اندر کاران و کارگزارانی که در زمینه انتخابات مشغول هستند. از انتخاب کاندیداها گرفته تا کسانی که مانند صدا و سیما زمینه عرضه آنها را فراهم می‌کنند که من نمره خوبی به هیچ‌یک نمی‌دهم و ماحصل آن می‌شود انتخاب ناشی از هیجان و نوعی سرخوردگی اجتماعی برای آنهایی که می‌خواهند در عرصه انتخابات شرکت کنند و دچار تردید هستند و این برای نظام بد است، چون بقا و دوام نظام جمهوری اسلامی در سرمایه‌ای به نام مردم است زیرا جمهوریت یک وجهه و شکل آن و اسلامیت وجهه دیگر که محتوای آن است را نشان می‌دهد، بنابراین ضربه زدن به هر بخش که شاهد بودیم در جاهایی با افراط به جمهوریت آن صدمه وارد شد و در بعضی جاها با تلقی‌های تحجرگرایانه، اسلامیت ضربه خورد، بسیار برای نظام آسیب رسان است، بنابراین در فضای کنونی اصالت نظام جمهوری اسلامی که اتکا به آرای مردم و پایگاه مردمی دارد محل نگرانی است و امیدوارم پیش بینی‌ام درست نباشد ولی کماکان حدس می‌زنم که در بحث مشارکت شان و حدی که کشور لازم دارد در حد مطلوب تامین نشود.

کاندیداها در طرح موضوعات مبتلابه جامعه چگونه عمل کردند و تا چه میزان وعده‌ها شعاری و چه میزان عملگرا بودند؟

در فضای طرح موضوعات هم شاهد بودیم که از طرفی درک صحیحی نسبت به مفهوم خدمت رسانی وجود ندارد یا اینکه نگرش‌های پوپولیستی در حال حاکم شدن است و اینکه صرفا راضی کردن مردم به هر بهایی و بعد منافع بلندمدت و میان‌مدت و فضای اقدامات آنی و کوتاه مدت را سرلوحه کردند که به ضرر مردم است، یعنی اقدامات مسکن وار بجای رفع موانع تولید و ایجاد درآمدهای مستمر و پایدار که به تبع آن می‌توان رفاهی پایدار ایجاد کرد جایگزین شده است که برجسته‌ترین این اقدام توزیع یارانه بود که در دولت‌های نهم و دهم صورت گرفت که خاطرم هست همان زمان هم در مجلس مخالف این طرح بودم که خیلی‌ها به من خرده می‌گرفتند که شما که طرفدار عدالت اجتماعی هستید چرا مخالف توزیع پول بین فقرا و افراد جامعه هستید؟ که پاسخ من این بود که اولا این توزیع پول بین فقرا نیست و توزیع پول ملی و عمومی محسوب می‌شود و بیشتر جهت گیری سیاسی و کسب رای دارد و بهترین کمک به فقرا این است که ریشه‌های فقر را برطرف کنیم و صرف پرداخت پول یک اقدام مسکن‌وار است و درد بیمار را دوا نمی‌کند و این مثل یک دندان درد شدید است که شخص به دندانپزشک مراجعه می‌کند و پزشک برای اینکه فرصت درمان پیدا کند، آنتی بیوتیک به بیمار می‌دهد که وی را برای اینکه دفعتا درد را از او دور می‌کند خوشحال می‌کند ولی اگر پزشک برنامه درمان نداشته باشد در مراجعه بعدی آنتی بیوتیک را با دوز بالاتر می‌دهد و این اگر استمرار پیدا کند به مورفین می‌رسد که این هم ممکن است سبب شعف و شادی مصرف کننده باشد ولی اعتیاد حاصل از آن آفت زمان می‌شود و فرصت معالجه را می‌گیرد و ممکن است آن دندان که قابل علاج بود به کشیدن برسد و متاسفانه معالجه‌ای که اکنون شاهد آن هستیم مسکن وار و رقابتی در پرداخت پول است یعنی به‌جای ماهیگیری عمدتا ماهی می‌دهند در حالی که خدمت این است که به کسی آموزش پول درآوردن بدهی نه پول.

گروهی از مردم با همین وعده‌ها اقناع می‌شوند، این اقناع تا کی استمرار می‌یابد و سرانجام این گونه وعده دادن چیست؟

آنچه که دیدیم وعده و وعیدهایی بود که برای رای آوری مطرح شد و به سمتی رفت که با واقعیت منابع در تضاد بود، به طوری که خیلی از مستمعینی که ذی نفع بودند به این وعده‌ها باور نداشتند اگرچه درصدی به مصداق «وصف العشق نصف العشق» از اینکه وعده‌های گرانی می‌دهند ممکن است، دچار یک شادی مقطعی بشوند ولی به واقعیت که رجوع بکنند می‌بینند که اینگونه نیست و اینها مشکلات عمده‌ای بود که وجود دارند، متاسفانه چیزی که اینجا فدا شد اهداف آرمانی پیشرفت بود که در مفهوم توسعه هم تجارب تاریخی کشورهای دیگر را داریم و هم شواهد عینی داریم و هم روش‌های علمی که همه اینها نشان می‌داد وعده‌ها در تضاد با این مفاهیم است و کسی که درک صحیح از رشد پایدار و تعالی ندارد چگونه می‌تواند یک کشور را به رفاه و صلاح برساند.

چرا اساسا این مسأله باب شده در انتخابات کاندیداها به سوی وعده‌های پوپولیستی می‌روند؟

این بحثی دیگر است که چرا نظام جمهوری اسلامی به‌جای اینکه در یک سیر تکاملی به سمت انتخاب اصلح برود به مسیری قهقرایی می‌رود، در گذشته نیز اشاره کردم که برخی از تایید صلاحیت شدگان در تراز نظام نیستند.

نظام جمهوری اسلامی همواره به مشارکت حداکثری تاکید می‌کرد، اما شاهد هستیم که امروز مشارکت روند سابق را طی نمی‌کند؟

علت بقا و دوام جمهوری اسلامی آن سرمایه‌ای است که امام‌راحل موجب آن شد، به قول علما اگر بخواهیم چیزی دوام پیدا کند باید آن چیزی که موجب آن شده همواره پویا باشد، بنابراین سرمایه‌ای به نام مردم که امام(ره) ایجاد کرد که فراتر از یک سرمایه اجتماعی و مادی است که حتی در نظام سرمایه‌داری هم می‌بینیم که منابع انسانی مهمتر از منابع مادی تلقی می‌شوند زیرا می‌توانند با توان مدیریتی خود یک اجتماع را به پیش ببرند مانند کجاوه‌ای که یک اسب آن را پیش می‌کشد که در دویست سال گذشته ابتدا پول را در این جایگاه قرار می‌دادند که بعد شد سرمایه مادی و سپس شد سرمایه انسانی و حالا طبق نظریات اخیر سرمایه علمی به عنوان مهمترین سرمایه قلمداد می‌کنند که می‌گویند آنچه باید جلوی کجاوه باشد باید دانش بنیان باشد اما در انقلاب اسلامی ایران این سرمایه انسانی بود که اهداف را پیش برد، همانطور که امام(ره) در سخنانش می‌فرماید خون بر شمشیر پیروز است، خون تجلی اراده مردمی و شمشیر نماینده امکاناتی است که جهان از جمله رژیم پیش در اختیار داشت ولی چون پایگاه مردمی نداشت سقوط کرد. آنچه قابل ذکر است این است که با وجود قومیت‌ها و مذاهب مختلف در کشور آنچه رمز پیروزی شد وحدت کلمه است جلوی تجزیه را گرفت و خلق بلوچ، خلق کرد، خلق عرب و خلق فارس و سایر قومیت‌ها زیر یک پرچم قرار داد و با روشی که امام (ره) داشتند همه اقوام منسجم شدند و پس از آن جنگ تحمیلی بود که شرق و غرب علیه ایران بودند که صدام موشک‌های نقطه زن را از شوروی و هواپیماهای میراژ را از فرانسه و سلاح‌های شیمیایی را از آلمان می‌گرفت و به صورت کلی همه امکانات از همه جهان در اختیار عراق بود ولی چیزی که جنگ را پیش برد سرمایه انسانی ایران بود، اگرچه خسارت‌هایی در جنگ دیدیم اما به اتکای مردم توانستیم هشت سال مقاومت جانانه در مقابل رژیم بعث داشته باشیم با مردمی که خودشان را دائما در مشارکت و حضور نشان می‌دهند.

چه فاکتورهایی در افزایش میزان مشارکت مردم تاثیر دارند و چرا امروز شاهد کاهش آن هستیم؟

اگر مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی از جمله انتخابات یا عرصه‌های دیگر را مهندسی معکوس کنیم به این نتیجه می‌رسیم که این مشارکت با نصیحت و معجزه پدید نمی‌آید و باید باور، ایمان و اعتقادی به یک حوزه یا یک فرد یا یک پدیده داشته باشند و بر آن اساس در صحنه حضور پیدا کنند همانطور که در راهپیمایی‌های دوران انقلاب این باور بود که این مسیر، مسیر حق است البته این سرمایه ملی کشور ما هم مورد بغض و عناد جهان سلطه یعنی آمریکا بوده است که به شدت با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دنباله‌دار دنبال تضعیف آن بوده یا در فضای مجازی سمپاشی‌های فراوانی علیه آن می‌کنند که مشخص است برخی که چنین می‌کنند معاندند و هدفشان چیزی جز تخریب و نا امید کردن مردم نیست و متاسفانه بد عمل کردن و اشتباهات محاسباتی نیز در نظام تصمیم گیری موثر بوده است.

مجید انصاری:

مصلحی کیست که انتخاب هاشمی را به صلاح ندانست

مردم عزیز ایران به رغم همه مشکلات در انتخابات شرکت کنند

یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه جمهوری اسلامی بدون انتخابات آزاد بی معناست، گفت: من توقع داشتم بعد از استقبال سرد مردم از انتخابات مجلس تمهید کنند انتخابات ریاست جمهوری پر شور شود و خوب تمهید کردند! مردم عزیز ایران انتخابات روز جمعه را به رغم همه مشکلات و گلایه ها به عنوان یک امر ملی و انقلابی نگاه کنید و ولو با دل پر خون کنار صندوق های رأی حاضر شوید. امام وصیت کرده در انتخابات شرکت کنید و شرکت می کنیم و می خواهیم آقایان به بخش های دیگر وصیتنامه امام هم عمل کنند. حجت الاسلام و المسلمین مجید انصاری در مراسم هفتمین روز درگذشت سید علی اکبر محتشمی پور، ایشان را سرباز همیشه در سنگر اسلام و انقلاب دانست و گفت: اگر محدودیت ها و توصیه های لازم الرعایه مربوط به کرونا و مشکلاتی که این روزها جامعه ما گریبان گیر آن است نبود اقشار وسیعی از وفاداران به راه امام، نیروهای انقلاب اسلامی، رزمندگان اسلام، خاندان معظم شهیدان و روحانیون عالی قدر از تهران و دیگر شهرها علاقمند به حضور در این مجلس و ادای احترام به روح آن مجاهد بزرگ بودند اما بنا به ضرورت و محدودیت و رعایت توصیه ها مجلس با شکوه و با عظمت برگزار گردیده است. وی افزود: من متأسفم همچنان تنگ نظری ها هست. در مکتب سیاسی امام تکیه به مردم بعد از ایمان به خدا اساس و رکن این نظام است. نظام جمهوری اسلامی ایران بدون حضور، اراده، خواست و انتخاب مردم به هیچ وجه نمی تواند نظام اسلامی باشد. اگر جنگ و توطئه های اول انقلاب و روزهای دشوار و تحریم ها را پشت سر گذاشته ایم با تکیه بر مردم بوده است. مردم مشکلات داشته اند اما این مردم لحظه ای از حمایت امام و انقلاب دست برنداشتند. چون به امام و راه و انقلاب امام ایمان و امید به آینده داشتند. وی تأکید کرد: روزی که خبر رد صلاحیت آقای هاشمی رفسنجانی را دادند آسمان بر سر مردم خراب شد. البته در جریانات تحلیل می دانستیم یک جریان از دید من نفوذ یافته سعی کرده نقطه اقتدار مردم را هدف قرار دهد و با اطلاع رسانی ناقص پرونده سازی را برای یاران امام بسازد و متأسفانه نهادهایی که باید بیشتر توجه نشان دهند هم بعضا در این دام افتادند. تو چه کسی هستی که مصلحت ندانستی آقای هاشمی رئیس جمهور شود؟! جریانی که تو را فرستاد سر در آخور که دارد. انصاری یادآور شد: البته اولین بار نبود. مگر آقایان شگفتی های عجیب نیافریدند. مگر چهره هایی که می توانستند افتخار علمی خبرگان باشند را رد نکردند. در مجلس گذشته گفتم اگر مشکلی دارند به من بگویید و وسط صحبت یکی از ما بهترها نجوایی کرد و مسأله تمام شد. مردم و انقلاب از آقای هاشمی محروم شدند و در انتخابات اخیر هم به تأیید مقام معظم رهبری رسید که به افرادی ظلم شده است. ما چه کار باید کنیم؟ شورای نگهبان برای حفظ جمهوریت نظام و دفاع از حق رأی مردم تأسیس شده است. ما دفاع می کنیم اما نباید این شورا موجب تضعیف خود شود. وی افزود: اف ای تی اف نزدیک دو سال است به بهانه مغایرت با بعضی سیاست ها گیر کرده که از دید من مغایر نیست. چرا به قانون عمل نمی کنید؟ آقای سخنگو تکذیب کردن مشکلی را حل نمی کند. چه چیزی را تکذیب می کنید؟ سخنگو برای روشنگری است. انصاری تصریح کرد: من توقع داشتم بعد از استقبال سرد مردم از انتخابات مجلس تمهید کنند انتخابات ریاست جمهوری پر شور شود و خوب تمهید کردند! مردم عزیز ایران انتخابات روز جمعه را علی رغم همه مشکلات و گلایه ها به عنوان یک امر ملی و انقلابی نگاه کنید و ولو با دل پر خون کنار صندوق های رأی حاضر شوید. امام وصیت کرده در انتخابات شرکت کنید و شرکت می کنیم و می خواهیم آقایان به بخش های دیگر وصیتنامه امام هم عمل کنند.

فـــرارو

سید محمود میرلوحی:

برخی الزامی به پاسخگویی نمی‌بینند

یک عضو شورای شهر تهران در خصوص روند بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات شوراها و رفتار هیات نظارت و اظهارات اخیر میرسلیم اظهار کرد: هیأت نظارت در این دوره از اساس مسیر غیرقانونی و سلیقه‌ای را در پیش گرفت. به نظر می‌رسد که آنها از درون درگیر شدند اما بیش از درگیری‌های داخلی‌شان مسأله این است که اینها بدعتی در این دوره گذاشتند و نیروهای سالم، پاکدست و نشاندار رقیب را در همه مراکز استان‌ها حذف کردند و نظارت استصوابی که در انتخابات شوراها مرسوم نبود را تسری دادند. این افراد فراتر از مراجع چهارگانه گام برداشتند و الان به راحتی نماینده مجلس و عضو هیات نظارت می‌گوید مراجع پنج گانه و یک مرجع جدیدی را که رفتار سیاسی دارد و نیروهای فعال سیاسی را به خودی و غیرخودی تقسیم می‌کند و هر اصلاح‌طلبی را برای ورود به عرصه انتخابات رد صلاحیت می‌کند به این مراجع اضافه کرده‌اند. ایلنا نوشت، سید محمود میر لوحی گفت: وقتی سلیقه به جای قانون و عدالت در این مرحله حاکم می‌شود و روح قانون اساسی را که بر رقابت تاکید دارد، خدشه‌دار می‌کند، این طور می‌شود که در درون خودشان نیز اختلاف ایجاد می‌شود. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با بیان اینکه مسائل کشور و چالش‌های متعدد با این مدل‌های حکمرانی و تصمیم‌گیری قابل حل نیست، افزود: ممکن است جناحی به ظاهر از صحنه حذف شود اما این اختلافات درونی خودشان جای سوال دارد. وی اضافه کرد: امروز در بستن لیست شورای شهر تهران شاهد این اختلافات بودیم. اصولگرایان نباید فکر کنند که تک جناحی شدن و تکصدایی شدن کشور دوام دارد و راه‌حل مسائل است. اجماع ملی راه حل است و اگر این اصل را بپذیرند، از بسیاری از این تصمیمات و اقدامات منصرف می‌شوند. میرلوحی با بیان اینکه اعمال سلیقه نتیجه‌ای جز این ندارد، افزود: بسیاری از افراد باید امروز در مقابل میز قاضی، پاسخگوی مسائل گذشته باشند اما امروز اشخاصی که سالم بودند و تخلفات این‌ها را شناسایی و مطرح می‌کردند، از ادامه حضور در رقابت انتخابات بازماندند. عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ادامه داد: سه روز پیش آقای مصلحی با سرفرازی اعلام کرد من بودم که به شورای نگهبان رفتم و موجب رد صلاحیت مرحوم هاشمی شدم؛ دخالت فردی در این زمینه بدون داشتن وظیفه قانونی، جای سوال دارد. در صورتی که این مراکز باید بی‌طرف باشند اما متاسفانه تحت تاثیر سلایق قرار دارند و اظهارات مصلحی این قضیه را زیر سوال برد. اکنون هیأت نظارت مجلس نیز مبتلابه همین قضیه شده و همان کاری که در مجلس می‌کردند امروز در شوراها نیز رخ داده است. میرلوحی بیان کرد: البته این برنامه در مجلس دهم نیز بود اما وجود مجلس و هیات نظارت مجلس دهم مانع شد اما امروز هیات نظارت و دستگاه‌های نظارتی با یکدیگر همسو و هم جهت هستند. سکوت و بی‌عملی وزارت کشور نیز باعث شده که شاهد این اتفاق‌ها باشیم و به نظر می‌رسد که باید منتظر آثار و ضایعات بیش از این نیز بود. مشخص است که اعضای شورای نگهبان وقت و امکان رسیدگی به پرونده‌های گسترده را ندارد. وی ضمن اشاره به بیانیه علی لاریجانی، عنوان کرد: طبق ابلاغیه سیاست‌ها توسط مقام معظم رهبری دلیل رد صلاحیت‌ها باید حداقل به نامزد گفته شود اما متأسفانه شورای نگهبان فعلا در جایگاهی است که احساس می‌کند هیچ الزامی برای پاسخگویی به اینگونه قضایا ندارد. میرلوحی اضافه کرد: شخصی مانند آقای لاریجانی را با سوابق مهم و با وجود اینکه امروز نیز نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی است با گزارشی رد صلاحیت کردند. البته در قضیه آقای هاشمی نیز همین اتفاق افتاد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص نامزدهای پوششی در مناظرات نیز بیان کرد: جریان اصولگرای تندرو فکر می‌کند که همه امور آماده برای قبضه کردن همه ارکان قدرت است و چون اتفاقات این دوره حساس است، بنابراین معتقدند که همه جوانب کار را ملاحظه کرده است اما همانگونه که در دولت آقای احمدی‌نژاد و دوره پیش شاهد بودیم، یک دستی و تک صدایی نه تنها مسائل کشور را حل نمی‌کند بلکه ضایعات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن دوره را شاهد بودیم.

دیـدگـــاه

من رای می‌دهم

ادامه از صفحه یک

وقتی تمامی مبادلات اقتصادی کشوری با بیش از ۸۰ میلیون جمعیت با سراسر دنیا این‌چنین محدود و دچار مشکل می‌شود و برای تهیه اساسی‌ترین مایحتاج زندگی مردم، دولت نیازمند است هزاران راه سخت را طی کند تا نان، غذا و دستمزد اندک مردم را فراهم کند و در این وسط، هزاران نفر از همین شیوه‌ها و محدودیت‌ها، صاحب میلیاردها دلار عایدی می‌شوند، انتظاری جز این از مردم دردمند نمی‌توان داشت؛ خشمگین و دل زده! اما بالاخره باید عده‌ای وارد میدان شوند! از چه می‌ترسید؟ از محکوم شدن به خیانتکاری؟! آیا استفاده کردن از حق‌تان را خیانت می‌پندارید؟ خیانت به کشورتان؟ به چه دلیل و با چه استدلالی؟! از شکست می‌هراسید؟ چه شکستی؟ اینکه نامزد مورد حمایت‌تان رای لازم را نیاورد و خدای ناکرده این شکست بزرگ در کنار پیروزی‌های ارزشمندمان مایه سرافکندگی باشد؟! اگر اصولا فکر می‌کنید آنکه به او رای می‌دهید، بهتر می‌تواند کشورتان را اداره کند و بهتر می‌تواند مشکلات شما و هموطنان‌تان را حل کند، اصولا شکست چه مفهومی دارد؟ آنچه مهم است، تلاش و هدفی است که شما برای بهبودی وضعیت خود و کشورتان انجام می‌دهید.

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن
شیخ صنعان خرقه رهن خانه خمار داشت

رای ندادن شیوه مناسبی برای اعتراض به نظر نمی‌رسد. این اقدام تنها می‌تواند با رهبری احزاب، به صورت یکپارچه و با هدفی مشخص، چاره‌ساز و نتیجه‌بخش باشد. به نظر نمی‌رسد جامعه مدنی در داخل کشور، قدرت استفاده از این ابزار را به صورت مناسب داشته باشد. بارها بوده است که حتی احزاب مختلف از چنین شیوه اعتراضی استفاده کرده‌اند اما نتوانسته‌اند به نتیجه‌ای ملموس برای پیشبرد و بهبود وضع موجود برسند. نمی‌توان به کلی ناقض این شیوه اعتراضی بود، اما دوباره اول نوشته خود در این متن را تکرار می‌کنم! افراد زیادی هستند که نسبت به دستمزد کم خود معترض باشند اما کمتر کسی جهت اعتراض، از آن دستمزد کم خود هم می‌گذرد!